

مهدویت و موعودگرایی

جلسه دهم

موضوع: خانواده در حکومت مهدوی و اوصاف مهدی علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

من دو نشست گذشته را خلاصه می کنم

قرآن بهترین تشبیه را برای حکومت مهدوی به کار می برد و روایات این را باز کرده است و لذا در روایات اهل بیت و پیامبر صفاتی را می یابیم که در ارتباط با نحوه حکومت ایشان است. مثل بخشنده بودن یا سخت گیری بر عمال، مهربانی با مساکین و اخلاق انسان ها را بالا بردن و دانش انسان ها را بالا بردن، سیاست قضایی خاص داشتن و مثل مردم بودن، اهل مشورت بودن... این ها اوصافی بود که بر شمریم امام صادق د روصفی دیگر می فرمایند:

عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ؛

دانش موسی حکمت موسی و شکوه و عظمت عیسی و صبر ایوب را دارد.

کتاب بحار الانوار (علامه مجلسی) یا منتخب الاثر (آیت الله صافی) و کتابی اخیرا چاپ شده با عنوان تاریخ عصر غیبت که این ها کتابی است در وصف حضرت است.

و آنچه در حکومت امام مهدی خود را نشان خواهد داد.

وضعیت خانواده در زمان امام مهدی علیه السلام

در زمان فعلی بحران خانواده یک بحران جهانی است ...

ما در این باره روایت خاصی نداریم اما روایات زیادی داریم که حضرت یسیر فیه بسیره رسول الله؛ حضرت مطابق سیره رسول خدا بین مردم رفتار میکند و حتی روایتی هست که می گوید حتی زن در خانه مطابق سیره رسول خدا و کتاب خدا حکم میکند.

این در خانه ممکن است به معنای بودن او در خانه دلالت کند یا این که به این معنی است که حتی در مسائل شخصی خودش هم به همین سیره عمل می کند.

ما دو رقم خانواده داریم؛ خانواده بالمعنی اعم و خانواده بالمعنی الاخص ...

گاه می گویم خانواده یعنی فامیل (بالمعنی اعم)

خانواده به معنی زن و شوهر (بالمعنی الاخص)

اساسی ترین و بنیانی ترین تشکل این تشکل است.

که اگر این تشکل به صلاح و سداد برود سایر تشکلات هم صلاح و سداد پیدا می کند و ملت و کشور هم اصلاح میشود.

اما اگر اصلاح نشود، حکومت هم تشکیل شود بی مبناست.

دنیا ما اگر امروزه با بحران آب مواجه است اگر با بحران امواج ضلال مواجه است با بحران خانواده هم مواجه است.

همانطور که مسئولین برای مسائلی مثل آب و... و بحران این ها برنامه دارند باید برای بحران خانواده هم برنامه داشته باشند.

خطر را باید شناخت و برای حل بحران اندیشید.

خانواده د رآستانه ظهور امام مهدی علیه السلام وضعیت خوبی ندارد.

امام علی علیه السلام وقتی در زمان خود دارند نشانه های آخر الزمان را بیان می کنند می گویند:

صَارَ الْفُسُوقُ نَسَبًا وَ الْعَفَافُ عَجَبًا وَ لَيْسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفَرْوِ مَقْلُوبًا

زنا و فحشا عادی به حساب می آید و بچه متولد شده از این کار طبیعی به حساب می آید و عفت یک امر عجیب به حساب می آید ...

به این معنا که حضرت یکی از بحران های زمان ظهور را بحران خانواده می داند که به این شکل است.

از این جهت اسلام نسبت به خانواده هم به معنی اعم آن حساسیت نشان داده است هم به معنی اخص آن .

در معنای خانواده به معنای اعم، اسلام اول از همه دعوت کرد به صله رحم و صلح را یک ضرورت شمرد و پلشت انگاری قطع رحم ...

و قرآن را به عنوان قانون اساسی وارد این قضیه کرد ؛ و اسلام در این باره نظری دارد و این که صاحبان خرد کسانی هستند که اهل صله رحم اند.

بین خرد و صله رحم پیوند برقرار می کند گویا بحث صله رحم و وزانت فامیلی ا ز اقتضائات خرد است که اسلام به ان اشاره می کند در واقع یک هنجار عاقلانه است. یا رسول خدا فرمود صله رحم شهرها را آباد می کند اگر چه اهل آن از خوبان نباشند. و در بخش قطع رحم در وصف کسانی در این باره گفته شده که قطع رحم میکنند و یفسدون فی الارض یعنی فساد در زمین را کنار این کار قرار می دهد و یک ساحت این قطع رحم با خانواده و فامیل است بعد در ارتباط با این ها می فرماید: اولئك لهم اللعنة و لهم سوء الدار ... این ها از رحمت خدا بریده می شوند.

امیر مومنان فرمود: قطع رحم کنید، ادبار و نعمت سرازیر می شود.

بخش عظیمی از معارف اسلام این جا است.

اسلام این ها را تعدیل ، تکمیل و تعمیق کرده است این معارف را که در واقع به نوعی معارف بشری است که اسلام به این نحو بیان و شرح فرموده است.

یعنی در واقع فامیل گرایی مثبتات آن گرفته می شود و آن چه آسیب دارد کنار گذاشته می شود .

اما خانواده به معنای اخص آن؛

اولین کاری که کرد اسلام وقتی وارد شد ، گوش مرد را گرفت آورد پایین از آن مراتب بعضا نا بجا و دست زن را گرفت و او را بالا برد این دو را در کنار هم نشانند .

قران می فرماید:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان مطیع خدا و زنان مطیع خدا، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان شکيبا و زنان شکيبا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان انفاقگر و زنان انفاقگر، و مردان روزه دار و زنان روزه دار، و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که خدا را بسیار یاد می کنند و زنانی که بسیار به یاد خدا هستند، خداوند برای (همه) آنان آمرزش و پاداشی گرانقدر و بزرگ آماده کرده است.

نیازی نبود قرآن به این شکل هر صفتی را مجزا هم برای زن بیاورد و هم برای مرد؛ می توانست به صورت کلی همه را بیان کند و مختصر تر باشد من فکر می کنم حتی امروزه در دنیایی که گاهی برخی حرکات زن گرایانه هم وجود دارد چنین متنی در هیچ کتابی نیست. که این قدر دقیق و زیبا بیان شود.

اولین کاری که اسلام کرد حتی در تعبیر و ادبیات هم سعی کرد نگاه مساوی داشته باشد و اگر مرد برتر هست او را همطراز زن قرار دهد و اگر زن دون مقام خود است او را بالا ببرد.

ایجاد این گفتمان یک نمونه ها و نمودهای عالی از تربیت را نشان داد.

که نمود عالی آن را می توان در شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها دید.

و رویکرد دیگر اسلام این بود که به آن معنای تقدس داد و نه این که صرفا آن را ضروری بداند.

